

موسیقی اپرانی

در ترکیه

در یکی از شماره‌های پیشین مجله موسیقی، سرگذشت اپرای ترکیه را بیان نمودم و جنبش و فعالیت جوانان هنرمند ترک را در راه بنیاد و ساختن اپرای ملی مختصراً مورد بحث قرار دادم. این بار خوانندگان عزیز را با «موسیقی اپرانی» آن سرزمین آشنا می‌سازم و تا آنجا که مقدور است تاریخچه مختصری نیز از فعالیت آهنگسازان ترک را مینویسم. تجزیه و تحلیل موسیقی معاصر ترک کاری است بس دشوار و نویسنده باید معلومات کلی در زمینه آهنگسازی داشته باشد که متأسفانه مقاله من در این مورد هرگز نمیتواند جوابگوی خواست خوانندگان عزیز باشد. بدین جهت به ارائه یکی دو نمونه از بارتسیون اپراهای مختلف برای روشن نمودن ذهن خوانندگان عزیز اکتفا مینمایم. در مقاله گذشته مذکور افتاد که چگونه هنرمندان خارجی و گروه‌های اپرانی فرانسوی و ایتالیایی که گاه‌گاہ به ترکیه سفر میکردند در پیدایش محیط مناسب برای فعالیت‌های هنری و ترغیب جوانان ترک جهت فراگرفتن این هنر میکوشیدند. تا آنجا که جوانان به کمک آنها محلی در «بی اوغلو» اجاره کردند و با سرمایه و وسائل فنی اندکی که داشتند تا چند سال مرتباً برنامه‌هایی از نوع «اپرا» اجرا مینمودند.

شک نیست که این برنامه‌های جالب نمایشی که برای مردم قبل از انقلاب ترکیه تازگی داشت، سبب شد که جوانان موسیقی‌دان و بخصوص کسانی که در رشته آهنگسازی

تحصیل مینمودند درصدد برآیند خود نیز آثاری به سبک «اپرا» بنویسند و در باره چگونگی ساختن چنین آثاری به مطالعه و پژوهش بپردازند.

«دونی زتی» ۱ برادر آهنگساز مشهور ایتالیایی که در آن هنگام برای مدتی در استانبول سکونت داشت از جمله این هنرمندان خارجی بود که از هیچگونه کوششی در راه ترغیب جوانان ترک جهت ایجاد «اپرا» فروگذاری نمی نمود. ولی با وجود تشویق های بی پایان «دونی زتی» محیط عقب مانده آن زمان به جوانان اجازه نمیداد آنطور که باید در این زمینه فعالیت نمایند. برای نمونه کافیت قسمتی از مقاله ای را که در آن هنگام یعنی زمان حکومت «سلطان عبدالجید» در یکی از روزنامه ها راجع به فعالیت این آهنگسازان منتشر شده است نقل کنیم:

«... برای ما امکان ندارد که بتوانیم بزبان ترکی در اپرا آواز بخوانیم زیرا اصولا حنجره ترک قادر با اجرای آواز با اصول غربی نیست، آیا یک ایتالیایی میتواند غزل ترکی بخواند؟ چگونه میخواهید بما تحمیل کنید که یک جوان ترک آریایی ایتالیایی بخواند و به تقلید از آنها هنر نمایی کند؟»

حیرت انگیز تر از همه آنست که، مقالات تخطئه آمیز مزبور را اغلب آهنگسازان و هنرمندان ترک میثوشتند و بدین ترتیب میخواستند از گسترش این هنر در ترکیه جلوگیری نمایند. حتی کار با آنجا کشید که این بی مایگان با ترغیب نمایندگان مجلس عثمانی و علمای دینی جمعیتی را که بنام «دوستانان اپرا» تأسیس شده بود تهدید به تعطیل نمودند.

عدمی از آهنگسازان نیز مدعی بودند که چون محیط برای نمایشات اپرایی مناسب نیست شایسته است قبلا «اپرت» هائی (توأم با رقص و آواز و موسیقی) ساخته و اجرا گردد.

پس از سال ۱۸۷۱ که مخالفین اپرا موفق شدند سلطان عبدالجید را به بستن اپرای «بی اوغلو» وادار نمایند، دوستانان اپرا به تأثر «گدیک پاشا» پناهنده شدند و درصدد برآمدند حداقل با اجرای «اپرت» - که فعالیت آن غیر قانونی شناخته نشده بود - ذوق هنری خود را ارضا نمایند.

نخستین آهنگسازی که آهنگی بسبک «اپرت» ساخت «دیگران چوهاجیان» ۲ بود. وی که به تشویق «دونی زتی» برای فرا گرفتن رشته آهنگسازی به کنسرواتوار میلان رفته بود در زمینه «اپرا کیمیک» مطالعات فراوانی داشت، پس از بازگشت به استانبول نوازندگان و خوانندگان را کرد خود فراهم آورد و تصمیم گرفت تا «اپرت» هائی شبیه به آنچه در اروپا مشاهده کرده بود بسازد.

مناسفانه هنگامیکه او با قلبی پراز امید از اروپا به میهنش بازگشت، سلطان عبدالمجید درگذشت و بادرگذشت او ازعلاقه به اپرا نیز درصحنه اجتماع ترك كاسته شد. «چوهاجیان» هرچند درواصل باموانع ومشكلات بیشماري مواجه بود اما استعداد و اشتیاق فراوانی که داشت او را یاری نمود. چنانکه درمدتی کوتاه اپرتهائی ساخت که مورد توجه مردم واقع شد وبخصوص اپرتهی بنام «آقا هورهور نهودچی فروش» ازطرف تماشاچیان بااستقبال روبرو شد.

نخستین نمونه های اپرت «چوهاجیان» آهنگسازان دیگررا نیز بهوسانداخت تا ذوق خود را بیازمایند. از میان آنان «حیدربای» ۱ که از نوازندگان وموسیقیدانان دربار بود تا اندازه ای موفقیت کسب کرد ولی هیچ اثری نتوانست جای اپرت «آقا هورهور» را درصحنه تأثیر بگیرد. (درحال حاضر پارتیسیون این اپرت مفقود شده است.)

یکی از ناقدان ترك در آن زمان درباره آثار چوهاجیان چنین مینویسد:

«... چوهاجیان باموسیقی ساده ونغمه های زیبایش توانسته است درهفته اشکال موسیقی غربی ازخود توانائی نشان دهد. بخصوص قدرتش در تلفیق موسیقی وزبان ترکی قابل تحسین است. آثار ابراهیمی وی مانند «آقا هورهور»، «عارف» و «کاهیای کوسه دار» مملو از نغمات وموسیقی بومی ما است و آثار گرانبهای مانند «ضنیره» نیز که به سیاق موسیقی غرب نزدیکتر است از هر جهت بمذاق ما خوش آیند است. فقط بدین جهت که برخی از آهنگسازان محلی را بدون کم و کاست در چند اپرتهای مختلف بکار برده است میتوان بر روی خرد گرفته. از جمله آذربای «دلبرم چه پر اداس» از اپرتهای «آقا هورهور» را میتوان نام برد...»

ابراکیمیک دیگر «چوهاجیان» که بسال ۱۸۷۳ برای نخستین بار بصحنه آمد «شریف آقام» نام داشت. این اپرا پس از ترکیه در پاریس نیز گویا بکبار نمایش داده شد ولسی اطلاعات دقیقی در این باره در دست نیست جز اینکه در کتاب: *Biographie Universelle des Musiciens* اثر «Fétis» از این اپراکیمیک سه پرده ای و نمایش آن در فرانسه نام برده شده است.

درباره نخستین آثار ابراهیمی ترك در دائرة المعارف بزرگ موسیقی نیز مقاله ای از طرف «Clément Huart» چاپ شده که چنین خاطر نشان میکند: «از اپرتهای پاریس در ترکیه نیز تقلیدهای بسندیده ای شده است. بعضی آهنگسازان باین سبک ولی باموسیقی شرقی آثاری نظیر «آقا هورهور»، «دختر قرمز» و «حیلة عارف» نوشته اند که بی اندازه شبیه آثار فرانسوی میباشد.

یکی دیگر از آهنگسازانی که بانوشتن آثار ابرائی معروفیت پیدا کرد «ودیع صبرا» بود که در سال ۱۹۱۸ ابرائی بنام «شعبان» نوشت. ولی آثار این آهنگساز که تحصیلات آهنگسازی را در پاریس نزد پروفیسور «آلبیر لاوینیک» بیابان رسانده بود چندان مقبول طبع تماشاچیان ترک قرار نگرفت. آثار او از نظر ناقدان بیشتر اروپائی بود تا ملی. حتی پس از نمایش ابرای شعبان ناقدان عقیده داشتند که «... این اثر به نماز باب در کلیسای رم بیشتر شباهت دارد تا به يك ابرای ملی...»

با شروع کشمکش سیاسی و جنگهای داخلی در ترکیه فعالیت آهنگسازان ترک نیز چندسالی متوقف گردید. دوره نوینی که پس از انقلاب آغاز میشود از لحاظ هنری باید پراهمیت تلقی شود زیرا پس از انقلاب است. که آهنگسازان پاروچیه تازه و افکار نوینی یا بعرضه نهادند و همانگونه که انقلاب در کلیه شئون اجتماعی ترکیه تأثیر کرد در موسیقی نیز مؤثر افتاد و موسیقی دانان نقش خود را در بالا بردن سطح فرهنگ عمومی بخوبی ایفا نمودند. اصولاً میتوان گفت نطفه اصلی ابرای ملی در این زمان بسته شد و آثار این دوره با آثار قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست.

« فرید النار ۱ » نخستین آهنگسازی بود که باشیوه تازه قدم بپیدان نهادولی



عدنان سایگون هنگام رهبری ابرای « فرزند خود »

توانست بجز دواپرای « نعمة بالواو » (۱۹۳۲) و « ذبیق زرد » (۱۹۳۳) اثر دیگری بنویسد و این دواپرا هم نمونه‌های بسیار ابتدائی ساده‌ای بود و به « کمدی موزیکال » بیشتر شباهت داشت. پس از او « نجیل آکسس » با فکر ساختن اپرافتاد وی در سالهاییکه هنرجوی کنسرواتوار « پراگ » بود نخستین برده‌های اپرای خود را نوشت. این اپرا « مته » نام داشت و از رمان « پاشا نابی » نویسنده شهیر ترک اقتباس شده بود. « آکسس » هم اکنون مشغول بیابان رساندن اپرای « نیسورلنگک » میباشد.

پس از او « عدنان سایگون » یگانه آهنگسازی است که در زمینه موسیقی اپرا نمونه‌های کامل و فراوان بدست داده است. آثار « عدنان سایگون » بخته‌تر و جنبه ملی آن قوی‌تر است.

اپرای « فرزند خود » نخستین اثر اپرایی « عدنان سایگون » میباشد و از دو برده ۱۲ تابلو متشکل است. متن این اپرادا « منیر حیری » نوشته است

و برای نخستین بار در ۱۹ ژوئن ۱۹۳۴ در آنکارا بروی صحنه آمده است.



ناگفته نماند که این اپرا بخاطر دوستی دو ملت ایران و ترک نوشته شده و در نخستین شب، در پیشگاه اعلیحضرت فقید اجرا شده است. این اپرا نخستین نمونه حقیقی « موسیقی جدید ترک » بشمار می‌رود و با دقت و تیزبینی تنظیم شده است. در کلیه صحنه‌ها رنگ خاص موسیقی بومی ترک چشم می‌خورد و غالب « موتیف » های آن از فولکلور خاور میانه گرفته شده و استادانه بکار برده شده‌است. اپرا با « پرولوگ » چالبسی آغاز میشود که در ضمن آن ذهن و فکر تاشاچی را به سرزمین افسانه‌ای « فریدون » کبیل میدهد:

نورالله شوکت تاشکیران در نقش « فریدون »

- ۱ - Yalova Türküsü - ۲ - Sari Zeybek
 ۳ - Necil Akses - ۴ - Mete - ۵ - Yasar Nabi
 ۶ - Adnan Saygun - ۷ - Oz Soy - ۸ - Münir Hayri

« ای کسایکه در اطرافم گرد آمده‌اید ، ای قهرمانها !
 مرا میشناسید؟ نام من «اوزان» است .
 سینه‌ام فریاد میکشد، ولی سازم هرگز نمیگیرد .
 روحم سرچشمه «راستی» است و هرگز مغلوب امید دروغ نمیشود .
 نه بت میپرستم و نه چنان در دام یار گرفتارم .
 نه عشقی میشناسم و نه مشتاق دیدارم .
 نمی‌دوم و سکون‌را نیز دوست ندارم
 یاری نمیشناسم و نه سراغ یار میگیرم
 با «افسانه» ای که در دست دارم تنها بوی حق میگیریم
 حقیقت‌را میگویم و آنرا در قلبتان جاری خواهم ساخت .
 در میانتان آنکس که خوش قلب است مرا دوست خواهد داشت .
 مرا شناختید؟ نام من «اوزان» است ... »

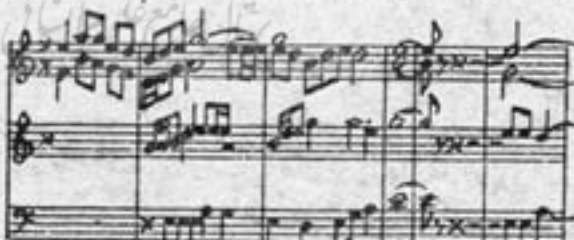
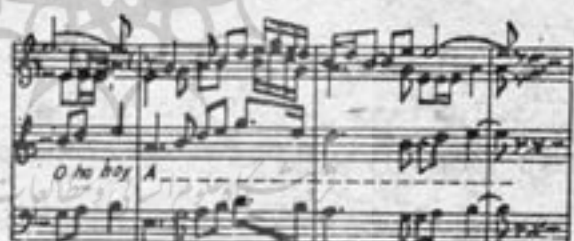
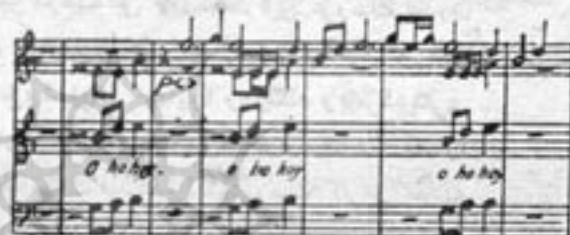
موضوع این اپرا

شرح زندگی تور و ایرج
 فرزندان فریدون هستند
 که با وجود مشقت‌ها و
 حوادث ناگوار سرانجام
 بیکدیگر می‌پیوندند و بنیاد
 ظلم‌را از دنیا برمیافکنند.

« عدنان سایگون »
 چند سال پس از اجرای
 این اثر بار دیگر آنرا از
 نظر گذرانید و پس از ایجاد
 تغییراتی در قسمت‌های مختلف
 اپرا، نام آنرا نیز فریدون
 نهاد .

دومین اپرای این
 آهنگساز « ع-روسک
 سنگی » نام دارد که براتب
 از نخستین اثر او کاملتر
 و با روح اپرا موافق‌تر
 میباشد .

آهنگساز پس از گذشت
 ۶ ماه از تاریخ نمایش اپرای



« فرزند خود » بنوشتن این ابراهیم برداخت. هنوز از موفقیت ابراهیم قبل از دلگرم بود و برای موفقیت‌های بزرگ‌تری خود را آماده مینمود.

ابراهیم « عروسک سنگی » او در سال ۱۹۳۴ ، بمناسبت سالگرد فتح شهر آنکارا بوسیله « آتاتورک » ، بروی صحنه آمد. آتاتورک پیوسته این آهنگساز را بنوشتن آثار ملی ترغیب میکرد و از نزدیک فعالیت او را در این زمینه بررسی می نمود. « لیبرتو » ی این اثر را « منیر خیری » جهت آهنگساز تهیه نموده بود. این ابراهیم تک برده‌ای است و موضوع آن از داستانهای قدیمی ترک گرفته شده است:

« استاد عروسک‌ساز پس از سالها کوشش موفق میشود عروسکی جاندار بسازد. اما پس از جان بخشیدن با او فراموش میکند قلب عروسک را نیز در سینه اش جای دهد. این عروسک قدری زیباتر است که استاد را مفتون خود میسازد اما از آنجا که قلب ندارد پیوسته عشق و شیفته‌گی استاد را رد میکند و با مرد دیگری میگریزد. در پایان استاد متوجه خطای خود میشود و قلب را نیز در سینه عروسک جای میدهد. اما عروسک که از گذشته خود نادام است خودکشی میکند. »

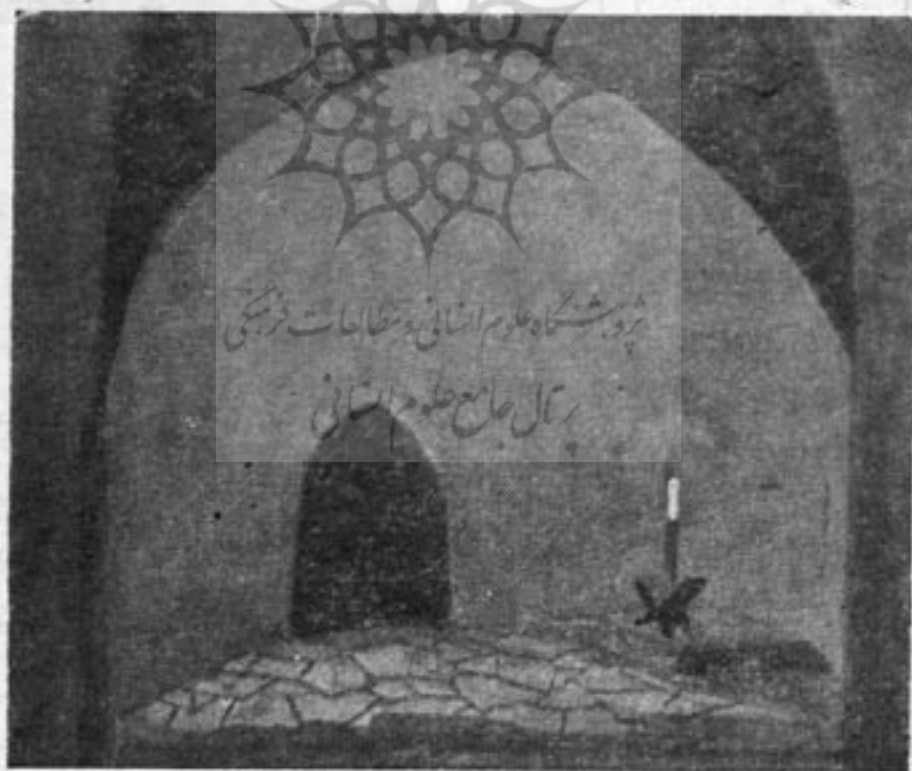
آخرین اثر ابراهیمی عدنان ساینگون ابراهیم مشهور « کرم » میباشد. آهنگساز با اینکه در سال ۱۹۴۴ بنوشتن این ابراهیم دست زد اما تا سال ۱۹۵۲ نتوانست آنرا با تمام برساند. در این مدت آهنگساز چند اثر بزرگ آوازی و اوراتوریو نوشت و تجربه‌های خوبی برای نوشتن ابراهیم بعدی کسب نمود. از میان آن آثار اوراتوریو

« یونس و امره » او شهرت دازد. در سال ۱۹۵۳ برای نخستین بار در ابراهیم دولتی آنکارا اجرا گردید.

ماجرای عشقی « کرم و اصلی » همچون داستان های « کوراوغلی » ، « آرزو و قنبر » و « شیرین و فرهاد » از داستانهای است که سالهای مدیدی دهان پنهان کشته و کمتر کسی است که آنرا نشناسد. این داستانها در طی قرون متناهی توسط آواز خوانان دوره کرد در قهوه‌خانه‌ها و مجامع دیگر ترکیه سینه بسینه نقل شده و جنبه بومی پیدا کرده است.

«لیبرتو»ی این اثر را «پروفسور صلاح‌الدین باتو» تنظیم نموده و متشکل از سه تابلو میباشد. موسیقی و اشعار آن چنان هوشیارانه تنظیم شده که تحرك صحنه‌ها در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. آنچه در این ابرای ذهن تماشاچی را بخود مشغول می‌سازد روحیه «کرم» و آوازهائی است که وی در صحنه‌های مختلف میخواند. هر چند «موتیف» های آن از آوازه‌های عامیانه «آناطولی» گرفته شده، معیناً متعلق به يك شخصیت، يك روحیه و بازگوکننده عشق و اضطراب قهرمان اثر میباشد.

آوازه‌ها در این ابرای اغلب شباهت فراوان به «رستیتیف» دارد ولی در عین حال گاهی ملودیهای زیبایی نیز در آن بگوش میرسد، بخصوص لحن و آهنگ زبان ترکی مورد دقت قرار گرفته و کلیه خصوصیات آن هنگام آواز، صادق مانده و روح کلام و سخن با آواز، وفق داده شده است. بادر نظر گرفتن اینکه نوشتن يك ابرای بصورت موسیقی ملی و لگدمال نمودن قوانینی که در اسلوب ابرائی خوب منظور شده



دکتر پردۀ دوم ابرای «کرم»

در عمل با چه مشکلات بزرگی مواجه میشود ، میتوان ابرای «کرم» را در نوع خود شاهکار ابرائی مشرق زمین نامید.
بخشهای آوازی دسته کر بیشتر به روش «کنترپوان» تنظیم شده و در این

The first system of the musical score for 'Karam' features a vocal line at the top with Persian lyrics: "O-mra ve rip da yem may-far, bay ta-za gir al tin dan-el a-car far". Below the vocal line is a piano accompaniment consisting of two staves (treble and bass clef) with long, flowing melodic lines.

The second system continues the musical score with Persian lyrics: "al el ma yi to tan sen tin Dan e im el ma min ya vi da". The piano accompaniment continues with similar melodic patterns.

نمونه‌ای از «رستاقیو» در ابرای «کرم»

The third system of the musical score shows a more complex vocal line with Persian lyrics: "Ser he lang bar nes Ser he cas lat ma ven nes e - le". The piano accompaniment features more intricate rhythmic patterns and melodic flourishes.

نمونه‌ای از آواز جمعی ابرای «کرم»



گروهی از خوانندگان آواز جمعی
در پرده سوم ابرای کرم

سادگی همه حاوی يك اندیشه میباشد. آواز جمعی که در این اثر نقش مهمی به عهده دارد در بخشهای گوناگون گاه يك مدائی است و گاهی هشت صدا را شامل میشود. (بخشی از آواز جمعی و گوشه ای از رستتایف های مزبور جهت آشنائی بیشتر خوانندگان یا موسیقی این ابرای بعنوان نمونه آورده شده است.)

در موسیقی این ابرای مدهای دورین، فریزین و ائولین (که از مدهای قدیمی هستند) بطرز جالبی بکار برده شده و همچنین از دستگاهها و گوشه هائی چون «سه گاه» «حجاز» و «نی ریز» نیز استفاده شده است.

یکی دیگر از آهنگسازان موسیقی ابرائی ترك «نوبد کودالی» میباشد که تحصیلات آهنگسازی را در پاریس نزد «آرتور هونگر» پایان رسانده و علاوه بر آثار موسیقی مجلسی در زمینه موسیقی آوازی نیز آثار جالبی بوجود آورده است. اوراتوروی «آنا تورك» و ابرای «وان گوك» از میان این آثار قابل ذکر میباشد.

ابرای «وان گوك» چنانکه از نامش پیداست شرح زندگی نقاش معروف هلندی است. «لیبرتو»ی آنرا «آیدین گون» از روی رمان «میتوکس» تنظیم نموده است. این اثر بسال ۱۹۵۸ برای نخستین بار در ابرای آنکارا بروی صحنه آمد.

این اپرای سه پرده‌ای را «کودالی» پس از پایان تحصیلاتش در پاریس نوشت و بواسطه اینکه نخستین اثر اپرایی وی بود نتوانست بواسطه آن موفقیت زیاد کسب کند، چنانکه جز در ترکیه هنوز در هیچیک از کشورهای اروپا نمایش داده نشده است و در ترکیه نیز بواسطه ضعف لیبرتو، عدم تناسب موضوع با صحنه اپرا و بالاخره ملی نبودن آن با انتقاد فراوان مواجه شده است.

هرچند موسیقی چند صحنه، بخصوص دیوانگی «وان کوك» و پاتابلوی بریدن گوش خود و هدیه آن به معشوقه‌اش، بسیار جالب و زیباست ولی آهنگساز در بیشتر صحنه‌ها نتوانسته موسیقی‌ای بسازد که با فعالیت صحنه مطابقت داشته باشد، از اینجهت بعضی صحنه‌ها بسیار طولانی و بدون تحرك است.

از طرف دیگر بعضی ناقدان نیز «کودالی» را از این لحاظ که در میان این همه داستانها و افسانه‌های ملی ترك، موضوع اپرایش را از شرح زندگی يك هلندی گرفته است و در اپرایش ناچار هیچ نغمه‌ای از موسیقی ترك شنیده نمیشود سرزنش نموده‌اند.

بجز آهنگسازان نامبرده، تعدادی دیگر از جوانان موسیقی‌دان بنوشتن اپرا دست زده‌اند که متأسفانه یا آنرا با تمام نرسانده‌اند یا آنکه بواسطه ضعف بودن اثر موفق با اجرای آن نشده‌اند. بهر حال جوانان آهنگساز ترك میکوشند راهی تازه بیابند و آثاری بوجود آورند که نه تنها رنگ ملی داشته باشد بلکه شایستگی اجرا در اپراهای بزرگ اروپایی را نیز دارا باشد.

عنایت رضائی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی